

سیاست خارجی ایران در قفقاز

سرویس قفقاز/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس قفقاز : رئیس جمهور ترکیه دوشنبه 25 مرداد برای دیداری رسمی و به دعوت همتای آذری خود عازم باکو شد. وی قرار است در این سفر با الهام علیف رئیس جمهور، آرتور راسی زاده، نخست وزیر و اکتای اسداف، رئیس مجلس ملی آذربایجان دیدار و پیرامون مسائل مبرم دوجانبه، منطقه ای و بین المللی بحث و گفتگو کند. تبادل نظر پیرامون حل مناقشه قره باغ و آینده مناسبات آنکارا؛ ایران و موضوع گشایش احتمالی مرز ترکیه؛ آذربایجان در حین مانور مشترک ناتو در ارمنستان، آخرین تحولات مربوط به مسائل هسته ای ایران و افزایش همکاری های نظامی روسیه با ارمنستان به ویژه امضای قرارداد مربوط به تمدید حضور پایگاه نظامی روسیه در ارمنستان تا سقف 45 سال و کمک نیروهای نظامی روسیه به ارمنستان در حفاظت از مرزهای ارمنستان با همسایگانش به احتمال زیاد از محورهای خواهد بود که در اولویت مذاکرات سران ترکیه و آذربایجان قرار خواهد داشت. عبدالله گل در صورت امکان از شهر تاریخی شکی نیز دیدار خواهد کرد. وی که پس از انتخاب به ریاست جمهوری ترکیه اولین سفر خارجی خود را به آذربایجان انجام داده بود، دیداری از شهر گنجه داشت و از منزلی که نوری پاشا (اهل ترکیه) از فرماندهان ارتش اسلامی قفقاز در آن سکنی داشته بازدید کرده بود.

مائیس عزیزاده خبرنگار خبرگزاری آرا جمهوری آذربایجان در آنکارا دو روز پیش و در آستانه سفر گل به باکو مصاحبه ای با وی انجام داده است. با توجه به اینکه که محتوای این مصاحبه از برخی جهات حائز اهمیت و قابل توجه و تامل است بر آن شدم که نسبت به ترجمه، تلخیص و تحلیل سخنان گل مبادرت نمایم.

رئیس جمهور ترکیه در این مصاحبه با توجه به نوع سوالات خبرنگار عمدتاً پیرامون مسائل قفقاز، روند حل مناقشه قره باغ، روند دموکراسی در آذربایجان و مسائل دوجانبه سخن می گوید که خلاصه جمع سخنان نسبتاً پراکنده وی به شرح ذیل تقدیم می گردد:

عبدالله گل می گوید: «این سفر به منظور تبادل نظرها الهام علیف برادر ارزشمند و رئیس جمهور کشور دوست، برادر و همسایه پیرامون تعمیق روابط دوجانبه، تحولات مهم منطقه ای و حل بحران قره باغ کوهستانی و در راستای هماهنگی بیشتر بین دو کشور و مشورتهای پیش رو در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که سپتامبر سال جاری طبق روال همیشه برگزار خواهد شد صورت می گیرد.» (این گفته گل بیانگر آن است که هر دو رئیس جمهور کشورهای همسایه در نشست قریب الوقوع مجمع عمومی سازمان شرکت خواهد کرد.)

رئیس جمهور ترکیه در رابطه با حل مشکل قره باغ کوهستانی می گوید: ادامه وضع موجود در منطقه به نفع هیچ کشوری نیست، نه آذربایجان، نه ارمنستان و نه ترکیه. جهان تغییر یافته و در شرف تغییر است، حل مشکلات ضروریست. ادامه مشکلات به صورت منجمد، سبب می شود مشکلات بار دیگر نمود پیدا کنند.

شورای امنیت سازمان ملل چند قطعنامه در مورد حل مناقشه قره باغ دارد (4 قطعنامه) * گروه مینسک هم تلاش جدی برای حل این بحران می کند. اما متأسفانه پس از گذشت 18-20 سال از فعالیت این گروه نتایج مشخصی به دست نیامده است. وقتی از اشغال سرزمین های یک کشوری 18 سال بگذرد باید گفت که این حالت، وضعیت خوبی نیست. ترکیه اولین کشوریست که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت. سپس استقلال ارمنستان را مورد شناسائی قرارداد. در سیستم جدید بین المللی باید به حفظ تمامیت ارضی کشورها احترام گذاشته شود.

ارمنستان می تواند با همسایگان خود مناسبات خوبی برقرار نماید واز این طریق به آبهای آزاد و خطوط حمل و نقل ترانزیتی دسترسی پیدا کند. طبیعی است که ترکیه دولت بزرگی است. در حالیکه ما مشکلات خود را با همسایگان به صفر می رسانیم، ادامه وضع موجود با ارمنستان به معنی درست کلمه وضعیت خوبی نیست. لذا حل عادلانه مشکلات موجود در منطقه به نفع همه ماست.

ما امیدوار بودیم که گروه مینسک به حل مناقشه قره باغ نزدیک شود. اما اکنون در افکار عمومی، سفر نمایندگان این گروه به منطقه به عنوان یک سفر توریستی تلقی می شود! به همین دلیل لازم است تحرک جدی و جدیدی آغاز شود. در سال 2008 وقتی پیشنهاد مشابهی مطرح کردم و ادامه وضع موجود را به نفع آذربایجان، ارمنستان و ترکیه ندانستم، در گام نخست در همین راستا عازم ایروان شدم، متعاقباً سرکیسیان به ترکیه آمد. مذاکراتی انجام شد. پیرامون محتوای این مذاکرات الهام علیف را نیز در جریان می گذاشتم. پوتین و مدودف هم در این روند مشارکت داشتند! (از ایران هم خبری نبود)

متأسفانه در جریان این روند در آذربایجان، ارمنستان و ترکیه سوء تفاهماتی پیش آمد و نتیجه مورد انتظار حاصل نشد و سر و صداهای بسیاری ایجاد شد. از این تجربه متوجه شدم که این معضل باید از طریق دیپلماسی بدون صدا اما مصمم حل و فصل شود.

در حل مناقشه قره باغ کوهستانی روسیه کشور مهمی است. مشکلات سنگینی مانند بحران قره باغ، با فشارها و آرزوهای یک یا چند کشور حل شدنی نیست. این مشکلات باید با تلاش کشورهای ذی نفع و سایر کشورهای منطقه حل و فصل شود.

در یک جا نخواهیم نشست، بدون وقفه در جهت حل این مشکل تلاش خواهیم کرد. حل مشکل و رسیدن به صلح کار آسانی نیست. عبدالله گل در بخش دیگری از سخنان خود می گوید: تقویت همکاری های نظامی روسیه و ارمنستان و احتمال استقرار سیستم موشکی اس-300 روسی در آذربایجان (که اخبار ضد و نقیضی در این رابطه از تأیید تا تکذیب و تأیید) و موارد مشابه این چینی را موانعی در برابر حل بحران قره باغ می دانم. می دانم که مدودف، پوتین، علیف و سرکیسیان هم مانند من ادامه وضع موجود را در منطقه به مصلحت نمی دانند.

در دوران جنگ سرد بود که کشورهای بزرگ، درگیری در مناطق مختلف را به نفع خود می دانستند. اکنون شرایط و اوضاع متفاوت از گذشته است. باید همه تلاش کنیم که هرچه زودتر این مناقشه از طریق مذاکره و دیپلماسی حل و فصل شود.

گل می افزاید در این راستا هرکاری که از دستان برآید مضایقه نخواهیم کرد. تحت اشغال بودن اراضی کشور برادر، آذربایجان، را دنیا هم نخواهد پذیرفت چون که مصوبات سازمان ملل وجود دارد.

رئیس جمهور ترکیه در این مصاحبه به ارمنستان توصیه می کند، اگر می خواهد روابط عادی با قره باغ داشته باشد باید قبل از هرچیز مشکل قره باغ حل شود. هرکس باید خود را جای طرف مقابل بگذارد، درک نماید و کمک کند.

وی تلویحاً به احزاب مخالف در آذربایجان (محملاً ارمنستان و ترکیه) می گوید: «اینها (مسائلی که به تمامیت ارضی و امنیت ملی یک کشور مربوط می شود) مسائل ملی هستند، احزاب نباید از این مسائل به نفع خود بهره برداری کنند. در اینگونه مسائل آذربایجان به الهام علیف، ارمنستان به سرژ سرکیسیان و ترکیه به من اعتماد داشته باشند. وی همچنین می گوید که باید اوپاما و مدودف هم از روند حل مناقشه قره باغ حمایت بیشتری کنند. او دریایان می گوید که به حل این مشکل از طریق مذاکرات صلح آمیز و دیپلماسی امید زیادی دارد.

عبدالله گل درخصوص مسائل منطقه قفقاز می گوید: ایجاد، حفظ و تقویت صلح و ثبات در قفقاز باید اولویت اصلی منطقه باشد. ما طرح های بسیار مهم و ضروری در این منطقه داریم از قبیل:

خط لوله انتقال نفت باکو؛ ndash؛ تفلیس؛ ndash؛ جیحان

خط آهن در دست احداث باکو- تفلیس– قارص که با حضور سران سه کشور در سال 2012 افتتاح خواهد شد. این خط آهن سه کشور را به یکدیگر متصل می کند. راهی که از اروپا آغاز شده از طریق ترکیه و دریای سیاه به گرجستان و از این طریق به آذربایجان متصل می شود. جاده شهرهای میانی در گرجستان (باتومی– تفلیس) و در آذربایجان (گنجه- باکو) در حال احداث، تعریض و مرمت هستند.

ترکیه، گرجستان و آذربایجان قصد دارند ضمن خروج یا کاهش وابستگی خود به مسیرهای انرژی و حمل و نقلی به روسیه و ایران نقش برتری در قفقاز ایفا نمایند. از دیگر سو باکو و آنکارا با این اقدام درصدد محاصره بیشتر ارمنستان و تاثیرگذاری بر گرجستان در راستای کاهش مناسبات این کشور با ارمنستان هستند. آذربایجان در اقدام دیگری قصد دارد گاز مورد نیاز نخجوان را در آینده از محل گازی که به ترکیه صادر خواهد کرد از طریق منطقه مرزی ترکیه با نخجوان تامین کند. در این صورت دیگر نیازی به سوپ گاز آذربایجان از طریق آستارای ایران به نخجوان که در حال حاضر در جریان است نخواهد بود.

«ما با نخجوان هم مرز داریم. این مرز، مرز ترکیه با آذربایجان است.» او تاکید می کند که آینده آذربایجان خیلی روشن است. رئیس جمهور ترکیه در خصوص میزان پیشرفت دموکراسی در آذربایجان برای اینکه به قول معروف نه سیخ بسوزد نه کباب، بسیار ماهرانه و دیپلماتیک می گوید: «ترکیه عضو شورای اروپاست. کشوری که عضو این شورا می شود، باید همه اصول آن را رعایت و اجرا کند. علی رغم اینکه ترکیه هم از اعضای تشکیل دهنده شورای اروپاست، تا سال 2004 تحت نظارت این شورا بود اما با اصلاحاتی که انجام دادیم از این نظارت خلاص شدیم. تا جائیکه یک تبعه ترک به عنوان رئیس پارلمان شورای اروپا انتخاب شد.» «طبیعی است که تاخیر در شروع دموکراتیزه شدن یک کشور، سایه ای بر سر آن نخواهد گسترد، ترکیه امروز هم در این زمینه دارای کم و کسری است و زمینه هائی وجود دارد که باید نسبت به ارتقاء استانداردهای حقوق و دموکراتیک آنها تلاش مضاعفی صورت دهد.» وی با این توضیحات می افزاید: «بدیهی است که ما هم کشورهای برادر را نسبت به ارتقاء استانداردهای دموکراسی تشویق می کنیم. دموکراسی هر قدر بیشتر توسعه یابد به همان نسبت سازمان های کشوری سالمتر می شوند. من ده سال عضو پارلمان شورای اروپا بودم و همواره به تعمیق دموکراسی در کشورم اولویت داده ام.»

«اگر مرحوم حیدرعلیف و الهام علیف، هدفشان توسعه دموکراسی در آذربایجان نبود این کشور را عضو شورای اروپا نمی کردند. اطمینان دارم که هر روز در آذربایجان رسانه های گروهی آزاد گسترش و تقویت پیدا خواهد کرد و دموکراسی بیش از پیش تعمیق خواهد یافت.»

عبدالله گل، به اختصار پیرامون ضرورت تعمیق روابط دوجانبه دو کشور که دارای یک ملت هستند سخن گفت و اظهار امیدواری کرد که لغو روادید برای اتباع ترکیه از سوی آذربایجان نیز صورت پذیرد.

لازم به ذکر است که ترکیه در اوت 2007 به صورت یک طرفه برای اتباع آذری روادید ورود به ترکیه را لغو کرد. اخیرا در سفر وزیر تجارت خارجی ترکیه به باکو درخصوص اقدام متقابل باکو در این خصوص مذاکراتی صورت گرفت و نمایندگان وزارت امور خارجه دو کشور سرگرم نهائی کردن احتمالی این موضوع در سفر عبدالله گل به باکو شده اند. اما از لحن صحبت گل به نظر می رسد احتمالا و حداقل در این سفر این موضوع به نتیجه نهائی نرسد.

رئیس جمهور ترکیه با اشاره به اینکه همواره به آذربایجان و کشورهای ترک زبان اولویت خاصی قائل است و در سال گذشته نیز در نشست سران کشورهای ترک در نخجوان به پیشنهاد او شورای کشورهای ترک زبان تشکیل شده است از اهمیت تاریخی روابط ملت ترک و ضرورت تعمیق مناسبات همه جانبه کشورش با آذربایجان و کشورهای ترک زبان سخن گفت و از نقش نوری پاشا یکی از فرماندهان ارتش اسلامی قفقاز سخن گفت.

این ژنرال ترک در برابر هجوم ارمنه به آذربایجان در جریان جنگ جهانی اول نقش خوبی داشته است و مجسمه وی در محل مزار شهدای آذربایجان در باکو در مقابل مسجدی که ترکها در باکو ساخته اند خوندنمائی می کند. این درحالی است که در آذربایجان نسبت به حمله ترکهای عثمانی و کشتار ایرانیان و آذربها در زمان صفویه سکوت اختیار می شود. عبدالله گل با صحبتهای رمانتیک خود آرزوهای خوبی مانند رفاه بیشتر، آسایش فراوان، صلح و ثبات و... برای ملت ترک به ویژه آذربایجان می کند و می گوید شادیهای شما، شادیهای ماست و در طول تاریخ هم اینگونه بوده است. باید به عنوان دو کشور مستقل و یک ملت، برادریمان و دوستیهایمان را بیش از پیش گسترش دهیم و به یکدیگر کمک کنیم و با پیروزی هایمان احساس غرور کنیم.

هنگامی که مشغول ترجمه و تلخیص این مصاحبه بودم، من هم به عنوان کسی که قریب دو دهه با مسائل منطقه به ویژه کشورهای شوروی سابق و از آن جمله قفقاز، محشور بودم و ائتلاف وقت کرده ام، از اینکه روابط دو کشور ترکیه و آذربایجان که همسایگان ما هستند و دارای مشترکات فرهنگی و تاریخی فراوانی هستیم (و در واقع ما می توانیم ادعا کنیم که با آذربایجان یک ملتیم و اکثریت آذربها در ایران ساکنند)، تعمیق یابد و بحران قره باغ و دیگر بحران های منطقه حل و فصل شود؛ از سخنان امیدوار کننده آقای عبدالله گل خوشحال شده و آرزو کردم که آمل ایشان هم محقق شود.

اما از اینکه حتی یکبار هم از لسان ایشان نام ایران یا یک مقام ایرانی حداقل در رابطه با تحولات منطقه به ویژه موضوع اراضی اشغالی آذربایجان (که دو کشور درگیر همسایه ایران هستند و مرز آذربایجان با ایران بسیار بیشتر از مرزش با ترکیه است و به خوبی آقای گل به مرز کشورش با نخجوان اشاره کرده است) جاری نشده بود ناخرسند و دلگیر شدم. اما بعد به خود گفتم که مقصر او نیست بلکه مقصر شیوه مدیریت سیاست خارجی در جمهوری اسلامی است که در طول سه دهه گذشته به رغم موفقیتهایی که داشته ناکامی های کمی هم نداشته است و از آن جمله این است که در قفقاز جنوبی تماشاگریم، قفقاز شمالی پیشکش!

آقای گل از اوپاما، مدودف، پوتین و روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان به دفعات یاد می کند. جاری شدن نام های روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان از زبان ایشان از این منظر که ایشان به باکو قصد سفر دارد و اینکه در مورد اراضی اشغالی آذربایجان توسط ارمنستان و مناسبات کشورش با ارمنستان سخن می گوید طبیعی و بدیهی است و خرده ای بر آن نتوان گرفت. اما فراموش کردن ایران در همسایگی قفقاز و به ظن من یک کشور قفقازی، از سوی وی که مدتی هم وزیر امور خارجه ترکیه بوده و رئیس جمهور کشور همسایه ما نیز هست، حداقل آزرذگی خاطر هر ایراندوستی را سبب می شود.

چنین رویکردی می تواند این اندیشه را به ذهن متبادر کند که ترکیه صرفا در مواردی که به نفع نقش منطقه ای و جهانی اوست نام ایران را بر زبان جاری می سازد و با این کشور وارد همکاری می شود، مانند موضوع هسته ای و نشست سه جانبه تهران با حضور برزیلی ها. (البته بدون اشاره به نام ایران در یکی از عباراتش به نقش کشورهای منطقه اشاره کرده است اما این کافی نیست.)

سیاست خارجی تهران در قفقاز منفعول و روزمرگی است و پیوند استراتژیک با این کشورها حاصل نشده است و غربی ها به راحتی اعلام می کنند که ایران نباید در روند صلح مناقشه قره باغ مشارکت کند خودشان هم که بحران را حل نمی کنند. البته گاهی برای نمایش دیپلماتیک هم در برخی موارد از سوی مسئولین ایرانی مطالبی گفته می شود که در مرحله حرف می ماند و پیگیری نمی گردد.

سایتهای اینترنتی مملو از جملات و وعده وعیدهای انجام نشده وزارت خارجه یا سایر نهادهای ذی ربط است. به عنوان مثال بیش از سه ماه پیش وزیر خارجه دولت دهم ایران گفت که نشست وزرای خارجه آذربایجان و ارمنستان در تهران تشکیل خواهد شد اما خبری از این نشست نشد! در همان مقطع بنده مطلبی نوشتم و به عدم تحقق این اجلاس اشاره کردم.

با دقت در سخنان عبدالله گل به نظر می رسد وی در این مصاحبه پیام هایی هم به آذربایجان، ارمنستان، روسیه، امریکا و دیگر اعضای گروه مینسک می دهد. نکته جالب اینکه او از روسیه و امریکا سخن می گوید و حتی از پوتین که همتایش نیست نیز حرف به میان می کشد ولی به کشور فرانسه به عنوان یکی از روسای گروه مینسک هم اشاره ای نمی

کند. البته این اشاره نکردن مرا آزرده خاطر نمی کند چون فرانسه نه همسایه ایران است و نه من فرانسوی هستم. به گروه مینسک می گوید تحرک ندارید و اگر تکان نخورید اتفاقات دیگری می افتد. مخصوصا بر گردن روسیه و آمریکا و روسای آنها می گذارد که تکان بخورند و کاری بکنند. به آذربایجان می گوید نباید به زور و اقدام نظامی متوسل شد. (هر چند که احتمال آن بسیار کم است) به ارمنستان می گوید اگر می خواهی از محاصره رهائی یابی باید با ترکیه راه بیانی، به قول معروف پیاده بشی با هم برویم. نام ایران را نمی برد چون که می بیند تهران سرگرم موضوع هسته ای و تنش با غرب است، به قفقاز و قره باغ چکار دارد؟ می بیند فرصتی است که پیش آمده و ترکیه باید به هر طریق فرصتها را شکار کند و بهره های لازم را ببرد.

نویسنده: افشار سلیمانی
پایان پیام.